

تطبیق زمینه‌های شکل‌گیری ناتو و شورای همکاری خلیج فارس در برابر اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری اسلامی ایران

حسن جلال پور^۱
محمدجواد هراتی^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۵

۲۱۳



چکیده

این نوشتار در نظر دارد که زمینه‌های شکل‌گیری پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را در برابر اتحاد جماهیر شوروی سابق و زمینه‌های شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس را در برابر جمهوری اسلامی ایران بصورت تطبیقی مورد بررسی و تبیین قرار داده و اینکه علل و عوامل موثر در شکل‌گیری ناتو در برابر اتحاد جماهیر شوروی و شورای همکاری خلیج فارس را در برابر جمهوری اسلامی ایران دارای چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی می‌باشد؟ روش تحقیق مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی و مطالعه موضوع به صورت تطبیقی در چارچوب نظریه «موازنه تهدید» است. اطلاعات لازم با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای و با مراجعه به کتابها، مقالات، و نشریات داخلی و خارجی و منابع اینترنتی گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بر اساس نظریه موازنه تهدید والت شاخص‌های ذکر شده در شکل‌گیری اتحادها (مجاورت، قدرت تهاجمی، نیات تهاجمی، افزایش قدرت تهاجمی) هم در شکل‌گیری ناتو علیه اتحاد جماهیر شوروی سابق و هم در شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس علیه جمهوری اسلامی ایران موثر و قابل تطبیق می‌باشد.

واژگان کلیدی: نظریه موازنه تهدید، اتحاد جماهیر شوروی، ناتو، ایران، شورای همکاری خلیج فارس

۱. گروه معارف دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران.

۲. گروه معارف، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران.

* نویسنده مسئول: mjharaty@yahoo.com

در دنیای پس از جنگ جهانی دوم دو ایدئولوژی در قالب دو ابرقدرت ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی که تنها کشورهایی بودند که پس از فروکش کردن آتش جنگ توان ادامه حیات داشتند به رقابت با یکدیگر پرداختند. فلسفه وجودی ناتو تا قبل از فروپاشی شوروی ایجاد کمربند امنیتی به دور دموکراسی‌های غربی و محاصره ابرقدرت کمونیسم و اقرارش بود که بعدها در چارچوب پیمان ورشو گردهم آمدند. کشورهای اروپای غربی از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۹، در حالی که توجه کامل خود را به بازسازی ویرانی‌های جنگ و اقتصاد معطوف کرده بودند، با نگرانی نظاره‌گر سیاستهای توسعه طلبانه اتحاد جماهیر شوروی بودند. این کشورها که به تعهدات خود بعد از جنگ در زمینه کاهش تاسیسات دفاعی و ترخیص نیروهای نظامی خود عمل کرده بودند، متوجه شدند که رهبران شوروی تصمیم بر حفظ نیروهای خود با تجهیزات کامل را دارند، این هشدار نگران کننده برای اروپا بود. لذا به دنبال این اقدامات اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای غربی و آمریکا در پی اتحاد و ائتلاف برای مقابله با شوروی بودند.

از طرفی به موازات پیروزی انقلاب اسلامی در فوریه ۱۹۷۹ بازتاب منطقه‌ای و بین‌المللی این انقلاب با توجه به رخداد آن در منطقه حساس خاورمیانه اهمیت یافت. بازتاب این انقلاب برای برخی امیدوار کننده و برای برخی نیز نگران کننده بود. در این بین کشورهای عربی منطقه خلیج فارس که به لحاظ فرهنگی و اقتصادی ایران را رقیب خود می‌دانستند، درصدد مقابله با تاثیرات احتمالی انقلاب ایران برآمدند. یعنی اگر نمود اصلی برخورد مستقیم اعراب علیه ایران حمله نظامی رژیم عراق به ایران بود، اما نشان اقدام غیرمستقیم کشورهای عربی منطقه، شکل‌گیری ائتلافی منطقه‌ای با عنوان شورای همکاری خلیج فارس در ماه مه ۱۹۷۹ در شهر ابوظبی امارات متحده عربی بود.

بنابراین این مقاله به دنبال مقایسه تطبیقی علل شکل‌گیری ناتو (پیمان آتلانتیک شمالی) در برابر اتحاد جماهیر شوروی سابق و شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس در برابر جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، و اینکه علل و عوامل موثر در شکل‌گیری ناتو و شورای همکاری خلیج فارس دارای چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی می‌باشد؟ فرض بر این است که در شکل‌گیری دو سازمان ناتو و شورای همکاری خلیج فارس در عوامل (مجاورت،

قدرت تهاجمی، نیت تهاجمی، افزایش قدرت تهاجمی (دارای شباهت و در عوامل اقتصاد و منطقه جغرافیایی کشورهای عضو دارای تفاوت می باشند. روش تحقیق مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی و مطالعه موضوع به صورت تطبیقی در چارچوب نظریه «موازنه تهدید» است. اطلاعات لازم با استفاده از شیوه کتابخانه ای و با مراجعه به کتابها، مقالات، و نشریات داخلی و خارجی و منابع اینترنتی گردآوری شده است. هدف پژوهش مقایسه تطبیقی زمینه های شکل‌گیری ناتو و شورای همکاری خلیج فارس در برابر شوروی و ایران و واکاوی شباهت ها و تفاوت‌های شکل‌گیری این دو سازمان می باشد.

۱. ادبیات پژوهش

در خصوص مباحث مربوط به ناتو و شورای همکاری خلیج فارس کتب و مقاله بسیار نوشته شده است که هرکدام از این منابع به بررسی جنبه هایی از این دو موضوع پرداخته اند، و هیچکدام به صورت تطبیقی به مقایسه این دو موضوع نپرداخته اند. به عنوان نمونه بهادر امینیان (۱۳۸۴) در مقاله با عنوان « پایایی و گسترش ناتو: نقش هژمونی آمریکا» به بررسی نقش ناتو پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق پرداخته و معتقد است این سازمان نه تنها دچار فروپاشی نگردیده بلکه قدرتمندتر شده و از لحاظ ماموریتی و جغرافیایی گسترش یافته است، و به عنوان نهادی ارزشمند نقش تعیین کننده‌ای در تثبیت هژمونی آمریکا داشته است. یزدانی، جالینوسی و کریمی (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان « دلایل گسترش ناتو به خاورمیانه» معتقدند که ناتو قدرتمندترین اتحادیه نظامی سیاسی در طول تاریخ و محور رابطه فرا آتلانتیکی بوده است و به دنبال تغییرات فضای سیاسی-جغرافیایی جهان ناشی از پایان جنگ سرد این سازمان در پی آن بود که از یک سازمان دفاعی صرف به یک سازمان دفاعی-نظامی و امنیتی تبدیل و در سراسر جهان گسترش یابد. مقاله دیگر با عنوان «ناتو، سیستم امنیت دسته جمعی و تحولات آن پس از جنگ سرد» به قلم اعظمی (۱۳۸۱) ناتو را مخلوق جنگ سرد می‌داند که در مقابل هم‌تای خود (پیمان ورشو) قرار داشت و در واقع هدف از شکل‌گیری آن محافظت از کشورهای غربی در برابر تهدیدات شوروی سابق بود. صراف تبریزی (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «ناتو، گذشته، حال و آینده» در ابتدا به تاریخچه، اهداف و ارکان ناتو پرداخته و سپس استراتژی

دفاعی در دوران جنگ سرد را مورد بررسی قرار داده و در پایان سازمان ناتو را پس از فروپاشی بلوک شرق و استراتژی جدید آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. طارمی و محمد علی‌پور (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه ناتو در طراحی استراتژی آمریکا پس از جنگ سرد» معتقدند ناتو محصول شرایط بین‌المللی بعد از جنگ جهانی دوم است و این سازمان با هدف مقابله با توسعه طلبی شوروی به عنوان رژیم امنیت منطقه‌ای تاسیس شد و با فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد دشمن استراتژیک را بر سر راه خود نمی‌دید، لذا آمریکا در راستای اهداف توسعه طلبانه خود سعی در ابقای ناتو و گسترش آن در مناطق مختلف جهان بود. کولایی (۱۳۸۶) در کتاب «سازمان پیمان اتلانتیک شمالی؛ دگرگونی در ماموریت‌ها و کارکردها» معتقد است این سازمان به عنوان نخستین نظام امنیت جمعی پس از پایان جنگ جهانی دوم در نوع خود بی‌نظیر بود. نگارنده در این کتاب ضمن بررسی زمینه‌های شکل‌گیری ناتو، ماموریت‌ها و کارکردهای آن را در دوران جنگ سرد، چگونگی طی مراحل گذار و بروز تحول در عملکرد این نهاد در دوران بعد از جنگ سرد را تحلیل می‌کند.

در مورد شورای همکاری خلیج فارس مجید روحی دهبنه (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین سازه انگارانه از علل واگرایی ایران و شورای همکاری خلیج فارس» معتقد است که مهمترین دلیل واگرایی میان ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس علاوه بر نقش و تاثیر ساختار نظام بین‌الملل می‌توان اینگونه تبیین کرد، به واسطه نبود هنجارهای مشترک، بستری نیز برای شکل‌گیری هویت مشترک نیز شکل نگرفته و باعث فضای رقابتی و بی‌اعتمادی در منطقه شده است. ملک محمدی و داوودی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «تاثیر ایران هراسی بر سیاستهای نظامی امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس» معتقدند که تبلیغات و اقدامات غرب بویژه آمریکا در شکل‌دهی امنیتی کشورهای منطقه در قبال روابط خود با ایران و تصویر امنیتی شدن از ایران، (ایران هراسی) تاثیر بسزایی دارد. جوکار و طوسی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل تئوریک فرهنگ‌های حاکم بر روابط ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس» به بررسی سیاست خارجی ایران و شورای همکاری خلیج فارس پرداخته و آن را به سه دوره تقسیم می‌کند: دوره اول دهه ۱۹۸۰ تا پایان جنگ که دوره تعارض می‌باشد دوره دوم از جنگ اول خلیج

فارس تا ۱۱ سپتامبر دوره تعدیل و دوره سوم پس از ۱۱ سپتامبر مجدد دوره تعارض می‌باشد. صالحی و محسنی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «دستاوردهای نظامی ایران و معمای امنیت در منطقه خاورمیانه با تاکید بر اعضای شورای همکاری خلیج فارس» معتقدند که ایران با توجه به تجربیات خود در دوران جنگ تحمیلی بطور طبیعی در حال افزایش قدرت دفاعی بومی خود است و این روندی است که از سوی کشورهای عربی خلیج فارس که افزایش توان نظامی خود را در خریدهای تسلیحاتی کلان از بیرون جستجو می‌کنند با نگرانی دنبال شده است و نمود این احساس تهدید را می‌توان در مناسبات کشورهای فوق با ایران مشاهده نمود. ارسال قربانی شیخ نشین (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «خرید تسلیحات نظامی و همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس، مطالعه موردی شورای همکاری خلیج فارس و ایران» معتقد است منطقه خلیج فارس تاکنون به دلایلی همچون منابع عظیم انرژی، موقعیت ژئواستراتژیک، رقابت قدرتهای فرامنطقه‌ای و... باعث واگرایی و نبود همگرایی منطقه‌ای شده است و اکنون ظهور مولفه‌ای نوین خریدهای کلان تسلیحاتی و افزایش وابستگی‌های نظامی و امنیتی می‌تواند شکل‌بندی همگرایی و امنیت منطقه‌ای را در حوزه خلیج فارس در آینده نزدیک تغییر دهد. صادقی و نقدی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «روابط ایران و دژ منطقه‌ای شورای همکاری خلیج فارس» معتقدند که به موزات پیروزی انقلاب اسلامی ایران کشورهای عربی حوزه خلیج فارس که ایران را رقیب خود می‌دانستند در صدد مقابله با تاثیرات احتمالی انقلاب ایران برآمدند یعنی اگر نماد برخورد مستقیم اعراب با ایران حمله نظامی رژیم عراق به ایران بود، اما نشان اقدام مستقیم کشورهای عربی منطقه شکل‌گیری ائتلاف منطقه‌ای شورای همکاری خلیج فارس بوده و کشورهای عربی منطقه خلیج فارس رقابت را بر همکاری با ایران ترجیح دادند. کوهکن و مشتاقی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «توانمندی نظامی شورای همکاری خلیج فارس و ملاحظات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» معتقدند کشورهای شورای همکاری خلیج فارس پس از پیروزی انقلاب اسلامی در نتیجه پروژه ایران هراسی همواره سعی در موازنه قوا با جمهوری اسلامی ایران داشته و با توجه به درآمدهای سرشار نفتی نسبت به تجهیز نیروهای مسلح خود اقدام نموده‌اند و با انعقاد پیمان‌های دفاعی به توسعه اقدامات نظامی خود در منطقه خلیج فارس مبادرت نموده‌اند



لذا این امر، امنیت ملی ایران را در ابعاد مختلف با تهدید مواجهه نموده است. کتاب «رابطه جنگ و انقلاب؛ مطالعات نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها» (۱۳۸۵) ویراستار جگ گلدستون، در این کتاب مقاله‌ای با عنوان «انقلاب و جنگ» اثر استیفن والت است، از نظر او وقتی انقلاب‌ها شکل می‌گیرند توازن منطقه‌ای را برهم می‌زنند و جنگ شکل می‌گیرد به عقیده او انقلاب ایران سبب شد کشور عراق و کشورهای عربی منطقه خلیج فارس با حمایت آمریکا برای جلوگیری از سرایت انقلاب متحد شوند. بنابراین نوآوری این مقاله در آن است که به صورت تطبیقی به بررسی زمینه‌های شکل‌گیری این دو سازمان (ناتو و شورای همکاری خلیج فارس) پرداخته است.

۲. چارچوب نظری: موازنه تهدید

استفان والت یکی از شناخته‌ترین اندیشمندان وابسته به واقع‌گرایی تدافعی محسوب می‌شود او موازنه تهدید را به عنوان فرمول بندی مجدد از تئوری موازنه قدرت ارائه کرده است. او بر این اعتقاد است که امنیت بیشتر از آنکه در برابر قدرت مطرح شود در برابر تهدید مطرح می‌شود و از تمایز آشکار بین قدرت و تهدید برای پیشبرد رهیافتش استفاده می‌کند و معتقد است که دولتها در رفتار خود به چیزی فراتر از قدرت توجه دارند، زیرا موازنه قوا به عنوان یک رهیافت نظری نمی‌تواند توضیح دهد که چرا غالباً ایجاد موازنه‌ها به شکست انجامیده است. (Walt, 1985: 9)

وی با نقد اصل موازنه قوا و با مطرح نمودن نظریه موازنه تهدید در عمل توانسته است مباحث واقع‌گرایی را در حوزه امنیتی غنی‌تر نماید. نقطه محوری مباحث وی در بررسی علت اتحادها و ائتلاف‌های نظامی با هدف ایجاد موازنه و یا در واکنش به احساس تهدید است. به اعتقاد وی برخلاف آنچه که فکر می‌شود، کشورها در مقابل افزایش قدرت سایرین دست به موازنه نمی‌زنند، در مقابل آنچه باعث حرکت کشورها به سوی توازن می‌گردد، میزان تهدیدی است که درک می‌کنند. زمانی که تهدید احساس می‌شود کشورها یا سعی می‌کنند در مقابل آن توازن ایجاد کنند یا اینکه به کشوری قدرتمند ملحق می‌شوند. (Walt, 1987: 110) در این راستا والت بر خلاف تصور پذیرفته شده بر این باور است که کشورها نه بر اساس اصل توازن قوا بلکه بر اساس توازن تهدید عمل می‌کنند،

یعنی تعادل در برابر قدرتها با اتحاد علیه این کشورهاست. والت معتقد است که کشورها نه درمقابل قدرت بلکه در مقابل تهدید دست به توازن زده‌اند؛ معنای این گفته آن است که کشورها به دنبال توازن دادن به هر قدرتی نیستند بلکه آنها در پی ایجاد توازن در مقابل کشوری هستند که افزایش قدرت آن، تهدید محسوب می‌شود. (Gangle, 2003:2) و (Elman, 2003:20) مهمترین عامل تاثیرگذار بر سیاست خارجی کشورها نه شکل توزیع توانایی‌ها در عرصه بین‌المللی بلکه میزان تهدید است و اینجاست که والت نظریه خود را تحت عنوان توازن تهدید در مقابل توازن قوا مطرح می‌کند.

والت در مطالعات خود به این نتیجه رسیده است که تهدیدها بر اساس چهار شاخص مورد ارزیابی قرار می‌گیرند:

۱-۲. مجاورت (فاصله جغرافیایی)

این واقعیت در روابط بین‌الملل پذیرفته شده که توانایی تهدیدزایی و قدرت نمایی به تناسب فاصله کاهش یا افزایش می‌یابد. دولتهایی که در مجاورت یکدیگر قرار دارند قادر به ایجاد تهدید بیشتری برای یکدیگر هستند نسبت به دولتهایی که در فاصله جغرافیایی زیادی نسبت به یکدیگر قرار دارند. در واقع والت پتانسیل تهدید زایی را با فاصله جغرافیایی در رابطه معکوس می‌داند. دولتهای مجاور قادر به تهدید بزرگ‌تری هستند. (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۴)

۲-۲. نیت تهاجمی

متغیر نیت تهاجمی والت او را از مادی‌گرایی دور می‌سازد و رویکرد معناگرا و سازه‌انگار را به ذهن متبادر می‌سازد این ناشی از مفهوم تهدید است که شاید حتی بیشتر از مفهوم قدرت معنا گرایانه باشد.

در واقع باید گفت عامل دیگری که می‌تواند در ایجاد هراس از یک کشور موثر باشد، احساس نگرانی از نیت تهاجمی آن کشور است؛ به عبارت دیگر وقتی کشوری معتقد به نیت تهاجمی از سوی طرف مقابل باشد احساس تهدید آن بیشتر شده و تلاش بیشتری برای محدود کردن آن انجام خواهد داد. بنابراین تنها راه بازداشتن مهاجم از سیاستهای

تهاجمی خود تشکیل ائتلافی برای محدود کردن آن است این متغیر نشان دهنده آن است که هر چه از نظر دیگران نیت تهاجمی قدرتی آشکارتر باشد احتمال بیشتری وجود دارد که آنها به موازنه روی بیاورند. (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۵-۳۶)

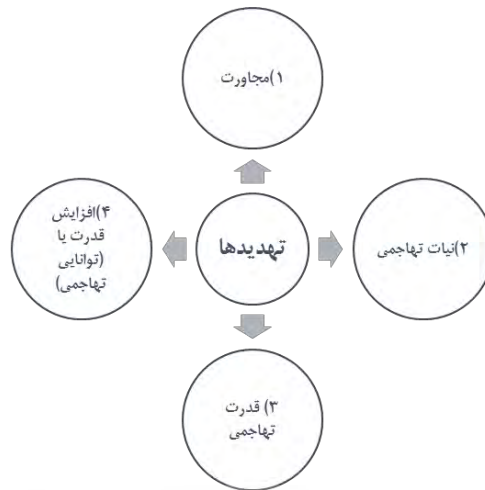
۲-۳. قدرت تهاجمی

دستیابی دولتها به قدرت نظامی بالا و قابلیت‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی آنها را تهدیدزا کرده و خطرهای واقعی یا تصویری را متوجه ثبات و انسجام سیاسی و سرزمینی می‌کند. (Walt, 1990: 148) بنابراین اگر دولتی با منابع مادی وسیع به چنین توانمندی تهاجمی دست پیدا کند سایر دولتها به موازنه روی می‌آورند، البته باید به این نکته توجه کرد که هرگاه دولتی علارغم توانایی دفاعی از سرزمین خود، فاقد قدرت تهاجمی برای حمله به دیگران باشد انگیزه موازنه علیه آن کاهش می‌یابد زیرا که تهدیدی از جانب آن دولت احساس نمی‌شود. (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۵)

۲-۴. افزایش قدرت یا (توانایی) تهاجمی

شامل منابع کلی تجمیع قدرت یک دولت است از جمله: قابلیت‌های نظامی، جمعیت، توسعه یافتگی صنعتی و تکنولوژی. بنابراین افزایش قدرت یک دولت، دیگر دولتها را به ایجاد موازنه در برابر خویش تحریک خواهد کرد چرا که دیگر دولتها نمی‌توانند مطمئن باشند که دولت قوی تر از قابلیت برتری خود علیه آنها استفاده نخواهد کرد. بنابراین آنها دست به اتحاد تدافعی می‌زنند.

در مورد توانایی‌ها باید گفت که هر چه توانایی‌های کشور تهدید کننده بیشتر باشد میزان تهدید دریافت شده بیشتر است. متغیرهای مرتبط با توانایی کشورها نیز شامل جمعیت، وسعت، اقتصاد و سایر عوامل ژئوپلیتیک هستند که همیشه از عوامل مهم در ارزیابی قدرت کشورها محسوب می‌شوند. در زمینه توانایی‌های تهاجمی باید این نکته را ذکر کرد که بین نیت تهاجمی و میزان تهدید ارتباط مستقیمی وجود دارد به این معنا که هر چه توانایی نظامی یک کشور بیشتر باشد میزان نگرانی و تهدید به همان میزان افزایش می‌یابد.



شکل ۱. تهدیدهای مورد ارزیابی

۳. تعمیم نظریه موازنه تهدید (والت) در شکل‌گیری ناتو

۱-۳. مجاورت یا فاصله جغرافیایی

با حمله ارتش آلمان به لهستان در سال ۱۹۳۹ جنگ جهانی دوم شروع شد. در ابتدای جنگ پیروزی با نیروهای متحدین بود اما با حمله آلمان به اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۴۲ و ورود ایالات متحده آمریکا به جنگ برگه جنگ به نفع نیروهای متفقین برگشت. پس از نبرد استالین‌گراد (۱۹۴۲-۱۹۴۳) پیروزی شوروی در جنگ با قوای هیتلر، کاملاً آشکار شد و این مشکل که اروپای بعد از جنگ چگونه بین قدرتها تقسیم شود اسباب نگرانی شده و زمینه‌های تهدید را در روابط متفقین فراهم ساخت.

نقشه جغرافیای سیاسی و مرزهای اروپا پیش از سال ۱۹۹۱ میلادی، در کنفرانس یالتا در فوریه ۱۹۴۵ پس از یک هفته مذاکره میان سران کشورهای فاتح (روزولت، استالین و چرچیل) ترسیم شد و اروپا به صورت کنونی تقسیم گردید. (صرافی تبریزی، ۱۳۸۱: ۱) اتحاد جماهیر شوروی از جنگ جهانی دوم علاوه بر تلفات فراوان جانی و مالی، قدرت و توانش افزایش یافت، در مقابل ایالات متحده آمریکا تقریباً دور از جنگ قرار داشت و بزرگترین قدرت صنعتی جهان پس از جنگ بود و با حمله اتمی به ژاپن اقتدارش را به جهان نشان داد. هنگامی که استالین رهبر شوروی از برقراری انتخابات آزاد در قلمرو اشغالش در

اروپای شرقی امتناع ورزید و ترومن رهبر آمریکا دکترین خود را اعلام کرد جنگ سرد با تسلط بر اروپا و امور جهان کانون توجه قرار گرفت.

شروع جنگ سرد اغلب با شوروی کردن اروپای شرقی، محاصره کردن برلین و سیاست تهدید نفوذ کمونیسم ارتباط دارد. سخن چرچیل درباره پرده آهنین که در مارس ۱۹۴۶ بر زبان جاری ساخت به راحتی به عنوان اولین ظهور جنگ سرد قابل درک است. (Delmas, 1961:21 و Lorilyn, 2001:2, vol1) شوروی در قبال نفوذ آمریکا در ژاپن و اروپای غربی مناطق اروپای شرقی و بخش شرقی آلمان را اشغال کرد (ذوالنوری و پروانه، ۱۳۹۶:۱۰۸) به نظر استالین، در آلمان مبارزه بین سوسیالیسم و سرمایه‌داری حاکم بود و تنها آلمانی می‌توانست بیخطر باشد که الگوهای سیاسی و اجتماعی پیشین آن دگرگون شده باشد و به قدرت گذشته برنگردد. (فونتن، ۱۳۶۴:۳۹۲) سرانجام شورای نظارت چهارجانبه تشکیل شد و دو شهرداری در بخش غربی و شرقی برلین به کار پرداخت. دولتهای غربی ظرف یکسال در ۱۹۴۹ جمهوری فدرال آلمان را به وجود آوردند. در انتخاباتی که صورت گرفت، و ماه بعد منطقه اشغالی شوروی هم جمهوری دموکراتیک آلمان را در اکتبر ۱۹۴۹ بنیاد گذاشت. (ذوالنوری و پروانه، ۱۳۹۶:۱۰۹) در واقع بحران برلین سبب تشویق اروپای غربی در جهت تجدید قوا شد و با تشکیل ناتو، اقتدار کشورهای اروپا در ترکیبات جدید شکل بهتری یافت.

در این میان بر اثر فرار مردم برلین شرقی به برلین غربی از سال ۱۹۶۱ به بعد به ابتکار خروشچف با همکاری مقامات کمونیستی آلمان شرقی دیواری بین دو بخش برلین ایجاد کردند. (غفاریان، ۱۳۷۳:۶) بنابراین نزدیکی شوروری به عنوان ابرقدرت شرق به مرزهای اروپای غربی و دخالت در اروپای شرقی و عدم امکان دفاع مستقل اروپا در برابر نفوذ کمونیسم از یک سو و احساس تهدید نظامی و ایدئولوژی بلوک شرق از سوی دیگر باعث اتحاد آنها و تشکیل پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) برای مقابله با شوروی و متحدانش گردید. لذا هرچه فاصله جغرافیایی نزدیک تر باشد تهدیدات می‌تواند بشتر باشد و هر چه فاصله جغرافیایی بیشتر باشد احساس تهدیدات کمتر خواهد بود.

۲-۳. نیات تهاجمی

متغیر نیات تهاجمی به عنوان بخشی دیگر از نظریه والت رویکرد معناگرایانه را به ذهن متبادر می‌سازد و این خود باعث احساس نگرانی از نیت‌های تهاجمی کشور تهدید کننده می‌شود.

با پایان جنگ جهانی دوم شوروی که بهای سنگینی برای شکست آلمان نازی پرداخته بود می‌خواست یک بازیگر درجه یک بین‌المللی باشد و به همین جهت به دنبال مناطق نفوذ در سرزمین‌های حائل می‌گشت. (Crochtt, 1994: 79-82) استالین در یک سخنرانی در فوریه ۱۹۴۶ در مسکو تاکید کرد که نظام‌های سرمایه داری و سوسیالیستم آشتی ناپذیرند. رهبر شوروی در این سخنرانی اعلام کرد که جهان غرب برای کنترل بازارهای خارجی و مواد خام دست به جنگی دیگر خواهد زد. وی معتقد بود تنها راه جلوگیری از یک جنگ جدید ایجاد یک نظام سوسیالیستی بین‌المللی است. همین سخنان استالین بدبینی آمریکایی‌ها و متحدانش را به دنبال داشت. (شولزینگر، ۱۳۷۹: ۳۶۴) بنابراین آمریکا سیاست سد نفوذ را در برابر نیات تهاجمی شوروی در پیش گرفت و کوشید از طریق پیمان‌های دفاعی متعدد مانند ناتو، بغداد (ستتو) و سیتو حلقه محاصره به دور شوروی را تنگ کرده و از این طریق آن کشور را کنترل کند. (Bailey, 1956: 426-8)

۳-۳. قدرت تهاجمی

به دنبال پایان جنگ جهانی دوم اتحاد جماهیر شوروی به عنوان یک ابرقدرت و رهبر بلوک شرق مطرح گردید. اگرچه برخی معتقدند که شوروی یک ابرقدرت تک بعدی (نظامی) بود ولی باید گفت که هیچ دولتی نمی‌تواند از لحاظ ترکیب اندازه، پیچیدگی، فرماندهی و کنترل نیروهای مسلح خود با اتحاد جماهیر شوروی رقابت نماید. در واقع باید گفت شاخص‌های فیزیکی به تنهایی موید قدرت نظامی این کشور بود.

لذا مهمترین عنصر قدرت در نظام شوروی قدرت نظامی و در راس آن قدرت نظامی سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیک آن بود (موسوی، ۱۳۸۳: ۱۳) نیروی زمینی شوروی مرکب از بیش از ۲۰۰ لشکر تمام مکانیزه بوده و دارای بیش از ۵۳ هزار تانک رزمی، ۴۸ هزار دستگاه توپ، خمپاره انداز و موشک انداز، ۴۶۰۰ موشک زمین به هوا و



۴۵۰۰ هلی کوپتر می‌باشد. علاوه بر این نیروی هوایی شوروی دارای ۴۹۰۰ هواپیمای تاکتیکی، ۹۰۰۰ سکوی موشک انداز و ۱۰ هزار دستگاه هشدار دهنده و سیستم‌های تجسسی بود. بعلاوه نیروی دریایی شوروی دارای ۲۶۰ فروند زیر دریایی تهاجمی و کل نیروی هسته‌ای استراتژیک شوروی با ۱۴۱۸ موشک قاره پیما یکی از قوی‌ترین ارتش‌های جهان قلمداد می‌شد. پایگاه ارتش شوروی از لحاظ نیروی انسانی شامل بیش از ۵ میلیون نفر در حال خدمت فعال و یک ذخیره ۵۵ میلیون نفری می‌باشد. (ادام، ۱۳۶۸: ۱۶).

چهار سال پس از دست یابی آمریکا به سلاح هسته‌ای (۱۹۴۵) اتحاد جماهیر شوروی نیز در سال ۱۹۴۹ اولین آزمایش اتمی خود را با موفقیت انجام داد و غرب را در وحشت فرو برد. پس از آن در سال ۱۹۵۹ شروع به ساخت سلاح هیدروژنی کرد که این بمب را در غرب به خاطر ابعاد و قدرت عظیمی که داشته بمب تزار نامیدند. (ایسنا، ۱۳۹۶) از سوی محصولات نظامی شوروی سهم قابل توجهی در تولید صنعتی به خود اختصاص داده بودند و به لطف قدرت نظامی بالا، اتحاد جماهیر شوروی می‌توانسته در صورت لزوم به ایالات متحده فشار بیاورد. (اسپوتنیک، ۲۰۱۹) این نیروها نه تنها نیروهای ایالات متحده را تحت الشعاع قرار می‌دادند بلکه از مجموع نیروهای موجود در چارچوب ساختار اتحاد غرب فراتر می‌رفت، در واقع همین تجهیزات و قدرت نظامی شوروی باعث ترس قدرتهای غربی از قدرت تهاجمی شوروی می‌شد.

۳-۴. افزایش توانایی تهاجمی

از نظر دانشمندی همچون مورگنتا عوامل چندی شالوده اصلی قدرت را تشکیل می‌دهند که عبارتند از موقعیت جغرافیایی، جمعیت، وسعت، منابع طبیعی، آمادگی نظامی و... (کازمی، ۱۳۶۹: ۶۷ و Goldstein, 1999: 5) در این میان کشور اتحاد جماهیر سابق به لحاظ مولفه‌های قدرت عوامل بسیار مهمی را دارا بود که این عوامل در شکل‌گیری توانایی تهاجمی بسیار موثر بوده و باعث احساس خطر از سوی رقبایش می‌شد.

اتحاد جماهیر شوروی با جمعیتی حدوداً ۲۷۳ میلیون نفر (امیرمحمدی، ۱۳۶۸: ۵۴) و مساحت ۲۲۴۰۲۲۰۰ کیلومتر مربع یک ششم سطح زمین را شامل می‌شد و همین باعث می‌شد که لقب پهناورترین کشور جهان را بگیرد. از شرق تا غرب اتحاد جماهیر شوروی

بیش از ۱۰ هزار کیلومتر مسافت بود و طول مرزهای این کشور به بیش از ۶۰ هزار کیلومتر می‌رسید. (ویکی پدیا) وسعت زیاد یک کشور، با این تصور که از نظر آب و هوا و منابع طبیعی دارای تنوع بیشتری است و از نظر دفاعی و نظامی نسبت به کشورهای کم وسعت، برتری دارد به عنوان عامل قدرت مطرح می‌شود. (میرحیدر، ۱۳۷۵: ۱۰۶) بنابراین وسعت سرزمین شوروی دو مزیت را برای شوروی به دنبال داشت که نخست آن کشور از منابع زیر زمینی و انرژی فراوانی برخوردار باشد. بطوری که طبق آمار سال ۱۹۷۶ در تولید بسیاری از فلزات مقام‌های برجسته‌ای را در جهان احراز کرده است. (تقفی عامری، ۱۳۶۶: ۵۱۰) و دوم اینکه وجود عمق قابل ملاحظه سرزمین مانع آن می‌گردد که هنگامی که شوروی مورد تهاجم خارجی قرار گیرد دشمن بتواند سرزمین آن کشور را به آسانی و به طور کامل به تصرف خود در آورد. (تقفی عامری ۱۳۶۶: ۵۱۱) از سوی اتحاد جماهیر شوروی به علت وسعت زیادش به دریاها و اقیانوس‌های بسیاری دسترسی داشت که این خود بر قدرت ملی شوروی و مانورش در مقابل رقبایش می‌افزود. همچنین شوروی به علت تکنولوژی بالایی که در مسائل نظامی و فضایی داشت خود باعث وحشت امریکا و متحدانش گردیده بود.

۴. پیامدهای شکل‌گیری ناتو

۴-۱. مسابقه تسلیحاتی

مسابقه تسلیحاتی در کاربرد کلاسیک به معنای رقابت بین دو یا چند گروه بر سر مالکیت بهترین نیروهای رزمی است. در این فرایند هر طرف تلاش می‌کند تا تعداد بیشتری سلاح، اندازه بزرگتری ارتش یا سطح بالاتری از تکنولوژی نظامی را کسب کند. بنابراین یکی از پیامدهای مهم شکل‌گیری ناتو شروع مسابقه تسلیحاتی بین آمریکا و متحدانش در مقابل اتحاد جماهیر شوروی سابق بود. البته شروع این رقابت تسلیحاتی در واقع قبل از پایان جنگ جهانی دوم بود، چرا که با دستیابی آمریکا به سلاح هسته‌ای در سال ۱۹۴۵ و حمله به ژاپن و شکست این کشور، اتحاد جماهیر شوروی سابق برای اینکه بتواند پس از پایان جنگ خود را به عنوان یک ابر قدرت در مقابله آمریکا مطرح کند، در تلاشی برای دستیابی به سلاح هسته‌ای در سال ۱۹۴۹ به این مهم دست یافت و از این زمان در واقع



مسابقه تسلیحاتی بین شوروی از یک طرف و آمریکا و متحدانش (اعضای ناتو) از طرف دیگر شروع شد و این رقابت تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق ادامه داشت. اگرچه در مقاطعی این رقابت به تنش زدایی منجر می‌شد؛ مثل پیمانهای سالت و استارت اما این سیاست از سوی دو طرف درگیر رقابت موقتی بود، بگونه‌ای که حتی پس از فروپاشی شوروی باز هم این رقابت تسلیحاتی بین روسیه و آمریکا با شدت کمتری ادامه دارد.

۴-۲. حضور قدرتهای فرا منطقه‌ای در اروپای غربی (آمریکا)

با پایان جنگ جهانی دوم اروپا با ارتشی منهدم شده و اقتصادی ویران نیاز به کمک‌های اقتصادی و امنیتی آمریکا داشت تا هم بتواند خود را در مقابل تهاجمات احتمالی شوروی مورد حمایت آمریکا قرار دهد و هم بتواند اقتصاد ویرانش را مجدداً بازسازی کند لذا با طرح‌هایی مثل طرح مارشال و پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) همراهی کرد.

در این میان ایالات متحده آمریکا به خاطر دوری از صحنه نبرد کمترین صدمه را دید و تنها قدرت بزرگی بود که از نظر اقتصادی وضع مطلوبی داشت. بنابراین شروع به سرمایه‌گذاری در اروپا کرد تا از یک سو باعث جذب سرمایه‌های مازاد آمریکا در یک منطقه پر سود شود و از سوی دیگر اقتصاد این کشورها را به نحوی بیسابقه‌ای به اقتصاد آمریکا پیوند می‌زد. لذا اکثر کشورهای اروپای غربی با آغوش باز کمک‌های اقتصادی آمریکا را پذیرفتند. از سوی دیگر کشورهای اروپای غربی به منظور ایجاد توازن در برابر بلوک شرق مجموعه ناتو به رهبری آمریکا را پذیرفتند.

بنابراین می‌توان گفت طرح مارشال با همه اقتصاد سرمایه‌داری به اروپای غربی نه تنها موجب تسلط اقتصادی آمریکا و سلطه دلار بر قاره سبز شد، بلکه آمریکا در عوض کمک‌های مالی اجازه ایجاد پایگاه‌های نظامی در اروپا پیدا کرده و عملاً با تسلط اقتصادی و نظامی، اروپا زیر چکمه‌های آمریکا قرار گرفت. از طرفی طرح پیمان اتلانتیک شمالی موسوم به ناتو در سال ۱۹۴۹ در واشینگتن به تصویب رسید و با توجه به اینکه ۷۰ درصد بودجه این ارتش توسط آمریکا تأمین می‌شود، ناتو تحت سیطره و نفوذ آمریکا قرار گرفت. مقر ناتو در بروکسل، مرکز اتحادیه اروپا می‌باشد و سبب شده است آمریکا در وسط اروپا، حضور نظامی چشمگیری داشته باشد. آمریکا در حال حاضر، ۲۷۰ پایگاه نظامی در آلمان،

۸۳ پایگاه نظامی در ایتالیا و در اسپانیا، پرتغال، هلند، انگلیس، فرانسه، بلژیک هم حداقل یک پایگاه دارد. (قریشی، ۱۳۹۷) در نتیجه اروپا در حوزه اقتصادی و نظامی و به تبع در حوزه سیاسی هم وابسته به آمریکاست.

۵. تعمیم نظریه موازنه تهدید (والت) در شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس

۵-۱. مجاورت یا فاصله جغرافیایی

وقوع انقلاب اسلامی در ایران تحولات مهم منطقه‌ای را در پی خود به دنبال داشت با توجه به اینکه ایران در دوران قبل از انقلاب (۱۹۷۹) به همراه کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در شمار متحدان آمریکا قرار داشتند، وقوع انقلاب اسلامی در ایران موجب شد یک قدرت عمده منطقه‌ای از سلطه آمریکا خارج شود و تعامل بازیگران منطقه‌ای در دهه ۱۹۸۰ پیچیده‌تر شود. از آنجا که انقلاب اسلامی در یک منطقه‌ای اتفاق افتاد که کشورهای منطقه دارای تجانس فکری، فرهنگی، دینی اجتماعی و اقتصادی بودند لذا کشورهای عربی حوزه خلیج فارس که در مجاورت ایران قرار داشته و فاصله جغرافیایی کمی با ایران داشتند از سرایت امواج انقلاب به کشورهای خود نگران بودند.

انقلاب ایران باعث شد کشورهای عربی مجاور ایران تهدیداتی را از ناحیه ایران احساس کنند:

اول: نگرش تجدید نظرطلبانه به نظام‌های سیاسی حاکم بر منطقه و ایجاد خطر برای سایر نظام‌های پادشاهی، چرا که حکومت‌های پادشاهی منطقه خواهان حفظ وضع موجود بودند و ایران خواهان تغییر وضع موجود در منطقه بود، در نتیجه اشاعه گفتمان بیداری اسلامی ایران در کشورهای عرب منطقه، بدگمانی کشورهای عربی را از اهداف انقلابی تقویت کرد و به دنبال آن واکنش‌هایی از سوی دولتهای اقتدارگرای منطقه بویژه عربستان سعودی علیه ایران در منطقه خلیج فارس در پی داشت. (واعظی و اسدی، ۱۳۸۹: ۴۲ و ehteshami, 2002: 287) دوم ایران با حضور نیروهای فرامنطقه‌ای در منطقه مخالف بود، حال آنکه کشورهای عربی منطقه خلیج فارس موافق حضور کشورهای فرامنطقه‌ای در خلیج فارس بودند؛ سوم اشتراک دینی مردم منطقه با ایران؛ چهارم استفاده از اسلام به عنوان قدرتی مهم و جایگزین کردن با مسائل قبیله‌ای و ناسیونالیستی که این



امر باعث انتقال مفاهیم و فرمول‌های انقلاب اسلامی به کشورهای منطقه می‌شد. (طبری، ۱۳۸۱: ۹۵-۹۶ و واعظی و اسدی ۱۳۸۹: ۴۲) در واقع بر اساس نظریه پخش تسری موضوعات پخش به نزدیک‌ترین اقشار، افراد و مناطقی است که در مجاورت تغییر و نوع آوری قرار دارند، و در این میان فاصله فاکتور مهمی تلقی می‌شود و هرچه میزان فاصله کمتر باشد تاثیر گذاری بیشتر است. بنابراین آنگونه که ذکر شد والت پتانسیل تهدیدزایی را با فاصله جغرافیایی در رابطه معکوس می‌داند، و دولتهای مجاور قادر به تهدیدات بزرگتری هستند. لذا هر چه فاصله کشورهای عربی به ایران کمتر بود نگرانی آنها از تحولات شکل گرفته در ایران بیشتر بوده، بنابراین تاسیس شورای همکاری خلیج فارس و حمله عراق به ایران در همین راستا بود.

۵-۲. نیت تهاجمی

از زمان وقوع انقلاب ۱۹۷۹ در ایران، دولتها و رسانه‌ها در کشورهای عربی به صورت منظم ایران را به عنوان عامل بی ثباتی منطقه معرفی می‌کنند. ایران هراسی طی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به اوج خود رسید رژیم بعث عراق تجاوز به جمهوری اسلامی ایران را با موضوع ایران هراسی و نیت تهاجمی ایران گره زد. (زاده علی و میرحسینی، ۱۳۹۶: ۱۵۷)

به زعم بسیاری از نخبگان سیاسی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، ایران در سالهای پس از پیروزی انقلاب در صدد صدور افکار انقلابی در منطقه برآمده، از جنبش های سیاسی اسلام گرا حمایت و آنان را علیه حکومت های مطلقه منطقه تحریک کرده و اکنون برای گسترش نفوذ خود در منطقه می‌کوشد. بنابر اعتقاد کشورهای عربی دو عامل؛ نخست تاریخ (امپراطور عظیم و باشکوه گذشته) و دوم ناسیونالیسم (پارسی گرایی) که با پیروزی انقلاب اسلامی بعد مذهبی (شیعه) هم به عنوان عامل سوم به آن اضافه شد. (المشروع الایرانی، ۲۰۱۳: ۹۱) در واقع صدور انقلاب به صورت تبیین و ترویج افکار و اندیشه های انقلاب اسلامی از طریق آگاهی بخشی و رهایی بخشی کشورهای مسلمان جهان تعریف شده است، این درحالی است که سیاست خارجی ایران از دید اعراب در راستای صدور انقلاب (توسعه و بسط نفوذ ایران در کل منطقه) برچندین اصل مبتنی است:

- حمایت از بعضی گروه‌های فلسطینی برای کسب عواطف عربی-اسلامی و سرپوش نهادن بر اهداف واقعی خود

- بهره‌کشی از اقلیت‌های شیعه در کشورهای عربی و تحریک آنها،

- ارائه کمک‌های مادی و نظامی به برخی کشورهای منطقه به منظور نفوذ در این کشورها (المشروع الايرانی، ۲۰۱۳: ۱۶-۱۸ و Haghshenass, 2009: 23 و Clawson, 2010: 15) در واقع باید گفت با بررسی نگاه اعراب در قبال ایران، کشورهای عربی معتقدند که، ایران به دنبال نظم دهی به جهان عرب می‌باشد، همواره قدرت نظامی و مسائل امنیتی خود را تقویت می‌نماید، به دنبال سلطه بر خلیج فارس است و نکته آخر اینکه ایران به عنوان بزرگترین دولت شیعی به دنبال شعارهای ایدئولوژی انقلابی می‌باشد. لذا کشورهای عربی منطقه خلیج فارس این اقدامات ایران را تلاشی در جهت نفوذ در منطقه تفسیر می‌کردند و در راستای نیات تهاجمی ایران قلمداد می‌کردند.

۳-۵. قدرت تهاجمی

جمهوری اسلامی ایران از جمله واحدهای سیاسی است که از موقعیت سه گانه بری، بحری و گذرگاهی برخوردار است. (قنبری جهرمی، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۱) و همواره به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه که در موقعیت جغرافیایی و استراتژیک خاصی قرار دارد و با توجه به ماهیت و هویت نظام حاکم بر آن و تجربیات گذشته خود بویژه جنگ تحمیلی برای قدرت نظامی خود اهمیت خاصی قائل است، ولی در این میان هدف از گسترش و تقویت فعالیت‌های نظامی صرفاً دفاع از امنیت کشور بوده است و همیشه دکترین دفاعی را در دستور کار خود قرار داده است.

در واقع باید گفت یکی از منابع پندار تهدید ایران پیشرفت صنایع نظامی ایران بوده است (صنایع هسته‌ای با مفروض دانستن مقاصد نظامی و موشکی (The Military Balance, 2010: 239) و نیروی دریایی مستقر در آب‌های جنوبی ایران می‌باشد. (Henderson, 2008: 4) در زمینه هوایی ایران توانسته هوایم‌هایی بنام تندر و اذرخش را تولید کند، همچنین با دستیابی به موشک‌های شهاب ۳ و ۴ که تا شهاب ۵ نیز ارتقا خواهد یافت حوزه دفاعی ایران تا شعاع ۶۰۰۰ کیلومتر گسترش می‌یابد. (Entessar, 2004: 545)

547) موشک دیگری که در صنایع دفاعی ایران استفاده می‌شود موشک سجیل با قابلیت حمل کلاهک های جنگی به وزن یک تن و برد ۱۳۰۰ کیلومتر می‌باشد (The Military Balance, 2010:239) علاوه بر این، موشک فاتح ۱۱۰ ایران با برد ۲۰۰ تا ۳۰۰ کیلومتر، موشک نازعات با برد ۱۵۰ کیلومتر، موشک قدر با برد ۱۹۰۰ کیلومتر، موشک سجیل با برد ۲ هزار کیلومتر و موشک عماد و قیام خود نشان دهنده قدرت موشکی ایران برای اهداف دفاعی و بازدارندگی می‌باشد. در کنار قدرت موشکی، جمهوری اسلامی ایران در زمینه ساخت پهباد و دانش ساخت آن جزء سه قدرت برتر این حوزه محسوب می‌شود که نمونه‌ای از پهبادهای ساخت ایران عبارتند از: پهباد سیمرغ، شاهد ۱۲۹، صاعقه، کرار ۴، مهاجر ۶ را می‌توان نام برد. در کنار این تسلیحات نیروی دریایی ایران به عنوان بازوی قدرتمند جمهوری اسلامی ایران انواع ناوشکن مانند جماران، دماوند، البرز، الوند و سبلان را ساخته است که ساخت این تجهیزات بر قدرت دریایی ایران افزوده است. (شمانیوز، ۱۸/۱۰/۱۳۹۸) اما آنچه ایران را بر تقویت نیروی نظامی در جهت دفاع از خود مصمم کرده است، می‌تواند عوامل گوناگونی باشد که طیف وسیعی از خریدهای تسلیحاتی کلان از سوی کشورهای عربی منطقه، تهدید مکرر از سوی رژیم صهیونیستی و حامیان آن، افزایش نیروهای آمریکای آمریکا در منطقه را در بر می‌گیرد. (صالحی و محسنی، ۱۳۹۲:۵۸) علاوه بر ادوات و تجهیزات نظامی، نیروی نظامی جمهوری اسلامی ایران اعم از دریایی، هوایی و زمینی دارای بیشترین تعداد است، زیرا علاوه بر اینکه ایران تجربه جنگ هشت ساله با عراق را اندوخته است، دائم از سوی قدرتهای غربی تهدید می‌شود و به دلیل هم پیمانی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس با بلوک غرب در مخالفت با ایران، جمهوری اسلامی همواره نیاز به نیروی نظامی آماده را احساس نموده و می‌نماید. (صادقی و دیگران، ۱۳۹۵:۱۲۸) در این میان کشورهای عربی حوزه خلیج فارس این افزایش توان نظامی ایران را در راستای اهداف بلند پروازانه و جاه طلبانه از سوی ایران تفسیر می‌کنند. آنها عقیده دارند، ایران در صدد نوعی هژمونی و برتری نظامی در منطقه است که باید به هر صورت از تحقق این هدف جلوگیری کرد. به عنوان نمونه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس برنامه های صلح آمیز هسته ایران را افزایش قدرت تهاجمی قلمداد کرده و همواره نسبت به آن حساسیت نشان می‌دهند و خواهان متوقف شدن

برنامه‌های هسته‌ای ایران هستند بگونه‌ای که در این زمینه با کشورهای فرامنطقه‌ای در جهت به حاشیه راندن ایران همراه شده اند.

این در حالی است که علاوه بر حساسیت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نسبت به افزایش توان دفاعی ایران، جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۰۶ حدود ۳/۶۸ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف هزینه‌های نظامی کرده که از این حیث در رتبه ۶۱ در جهان قرار دارد. (<https://www.cia.gov/library/publications>) و از این نظر جایگاه پایین‌تر از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس دارد.



(منبع: موشک‌های ایران تا کجا می‌رسند. <https://www.shomanews.com>)

۴-۵. افزایش توان تهاجمی

انگونه که ذکر شد عوامل متعددی در افزایش قدرت یک کشور موثر است: از جمله وسعت، جمعیت، موقعیت جغرافیایی، اقتصاد، تکنولوژی و... را می‌توان نام برد. ایران به علت قرار گرفتن در کنار تنگه‌ها و آبراهه‌های مهم بین‌المللی و دسترسی به منابع خاص و کمیاب (نفت، گاز، زغال سنگ و...) از اهمیت زیادی برخوردار است. این کشور از طرف شما در دریای خزر و از طرف جنوب در خلیج فارس و دریای عمان داری سواحل



طولانی است. از سویی ایران محل تلاقی موقعیت بری و بحری بوده و همواره این کشور در نظرات ژئوپلتیک و استراتژی های نظامی از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است. به طور کلی وسعت زیاد در قدرت کشورها تاثیر مثبت زیادی دارد چرا که فضای وسیع امکان برخورداری از معادن و منابع اقتصادی را فراهم می کند و به لحاظ نظامی فضای وسیع عمق استراتژیک ایجاد کرده و حاشیه امنیتی را برای کشور بوجود می آورد. (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ۹۱ و عالم، ۱۳۸۴: ۹۳-۹۴) در واقع باید گفت ضریب امنیتی کشورها متأثر از مولفه وسعت بیشتر است: چراکه تنوع آب و هوایی، توانایی کشور را در رفع نیازمندیهای اولیه افزایش می دهد (ضریب امنیت اقتصادی را بالا می برد)؛ از نظر نظامی نوعی ایمنی ایجاد می کند زیرا تسلط و تصرف آن مشکل است، وسعت امکان جذب جمعیت بیشتری را فراهم می کند، بنابراین در تقویت نیروی انسانی و امنیت آن تاثیر دارد.

با توجه به مطالب ذکر شده از لحاظ وسعت ایران شانزدهمین کشور دنیاست و همچنین در منطقه خاورمیانه دومین کشور وسیع پس از عربستان سعودی می باشد، این عامل (وسعت) باعث گسترش عمق استراتژی کشور شده و امکان اشغال را به دشمنان نمی دهد. (مینایی، ۱۳۸۱: ۴۳) از طرفی وسعت زیاد ایران در منطقه باعث تنوع آب و هوایی و منابع طبیعی شده است و همچنین برخورداری کشور از معادن متنوع گردیده است (Antony, 2008: 2). موقعیت جغرافیای ایران در نیمکره شمالی و واقع شدن آن در منطقه معتدله و کمربند صحرایی زمین زیرساختی چهارفصل و صحرایی به آن بخشیده (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۸۰) از سویی تنوع ناهمواری ها در کشور باعث تنوع آب و هوایی آن شده است، این شرایط امکان برداشت محصولات کشاورزی در فصلهای مختلف سال را فراهم می آورد. (ملکوتیان، ۱۳۸۳: ۲۱۳) اما در این میان وسعت کم کشورهای عربی حوزه جنوبی خلیج فارس بجز عربستان سعودی باعث مشکلاتی برای این کشورها شده است، چراکه یکی از نگرانی های همیشگی این کشورها در مقابل ایران وسعت و جمعیت کم می باشد. (Antony, 2008: 2) از طرفی یکی دیگر از مزیت های موقعیت جغرافیایی ایران نسبت به کشورهای عربی وجود ناهمواری ها در کشور می باشد، چرا که وجود موانع طبیعی در مرزهای یک کشور موقعیت امنیتی آن کشور را بهبود می بخشد و نبود موانع طبیعی کار

توسعه طلبان را آسان می‌کند (روشندل، ۱۳۷۴: ۷۴) در مناطق کوهستانی حرکت واحدهای تهاجمی به کندی صورت می‌گیرد لذا مرزهای کوهستانی همیشه در تاریخ نقش مهمی داشته است و جمهوری اسلامی ایران دارای این برتری جغرافیایی نسبت به کشورهای عربی همسایه خود می‌باشد.

در کنار وسعت، عنصر جمعیت و کم و کیف آن نیز در طول تاریخ به عنوان یکی از مهمترین عناصر تعیین کننده قدرت دولتها مورد توجه بوده است، بطوری که کشوری با جمعیت بالاتر و البته با کیفیت مناسب از کارایی بالایی در سیاست خارجی برخوردار خواهد شد. بنابراین اگر همه چیز متعادل باشد، جمعیت زیاد یک کشور قدرت دولت را افزایش می‌دهد. (عالم، ۱۳۸۴: ۹۳-۹۴) لذا یکی از نگرانی‌های همیشگی کشورهای عربی منطقه خلیج فارس جمعیت اندک آنها بوده است که در مقایسه با جمعیت ایران به عنوان یکی از نقاط آسیب پذیر این کشورها محسوب می‌شود؛ از طرفی حدود ۴۰۰ هزار ایرانی در کشور امارات اقامت دارند، همچنین هزاران ایران در بحرین، کویت، قطر و حتی عربستان زندگی می‌کنند که از دید این کشورها می‌توانند برای این کشورها تهدید محسوب شوند. (Antony, 2008:2) در کنار وسعت و جمعیت شکل جغرافیایی کشورها نیز در افزایش یا کاهش قدرت آنها نقش بسزایی دارد. کشور ایران در حد متوسط میان شکل دایره ای و شکل طولانی قرار می‌گیرد، لذا از لحاظ شکل در موقعیت مناسبی قرار دارد و این خود یکی از مزایای جغرافیایی ایران نسبت به کشورهای عربی منطقه خلیج فارس می‌باشد. از طرفی ایران دارای سواحل طولانی و عمیق در خلیج فارس می‌باشد، در واقع بخش شمال و شمال شرقی خلیج فارس را تماماً سواحل ایران پوشانده است. وجود این سواحل طولانی باعث توسعه و افزایش قدرت ایران را مهیا کرده است، چرا که محور خلیج فارس که عمیق ترین کانال کشتی رانی را تشکیل می‌دهد نزدیک به سواحل ایران است. از سویی تسلط ایران بر جزایر استراتژیک خلیج فارس همچون (ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک، هرمز، و...) بر قدرت و سلطه دریایی ایران افزوده است.

علاوه بر موارد فوق امروزه تکنولوژی نیز به عنوان یکی از عوامل قدرت ملی کشورها مورد توجه می‌باشد و در این میان فناوری هسته ای به عنوان یک فناوری برتر در علوم استراتژیک در قرن بیستم تحولی عمیق در زندگی بشر ایجاد کرده است. جمهوری اسلامی



ایران نیز توانست با یک جهش و خیزش عمیق علمی و بهره‌گیری از فناوری هسته‌ای یک نهضت علمی را شروع کند که این عامل تقابل کشورهای قدرتمند جهان و به تبع آنان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در زیر لوای غرب را به همراه داشته است. (نصری، ۱۳۸۵: ۲۵) این کشورها رویکردی کاملاً منفی و بدبینانه نسبت به برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران دارند و با دید شک و تردید به فعالیت‌های هسته‌ای ایران می‌نگرند. آنان بدون تفکیک و تمایز بین فن‌آوری صلح آمیز و نظامی اتمی با یکسان پنداشتن این دو، مطلقاً با فعالیت هسته‌ای ایران مخالفت می‌ورزند. از نظر راهبردی آنان استدلال می‌کنند که برنامه اتمی ایران ماهیتی نظامی دارد و این کشور در راه تولید بمب اتمی گام بر می‌دارد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۶۳-۶۲ و دوست محمدی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۵)

بنابراین با توجه به عمق استراتژیک کمتر کشورهای عربی نسبت به ایران، جمعیت و وسعت کمتر، سواحل طولانی ایران در خلیج فارس، موقعیت جغرافیایی و تنوع آب و هوایی ایران و... باعث شده است که این کشورها تلاش کنند تا از سیاست توازن علیه ایران استفاده کنند لذا این توازن به سه صورت پیگیری و محقق شده است: نخست از طریق هم پیمانی و اتحاد نظامی-امنیتی کشورهای عرب حوزة خلیج فارس با قدرتهای جهانی؛ دوم حضور و مداخله کشورهای فرا منطقه‌ای؛ و سوم شکل‌گیری پیمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای مثل شورای همکاری خلیج فارس جهت مقابله با ایران (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۹۶ و Cordesman, 2009: 14) طراحی شده است.

۶. پیامدهای شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس

بی شک شکل‌گیری یک اتحادیه و پیمان در مقابل یک یا چند کشور فارغ از اینکه پیامدهای مثبتی را برای کشورهای شرکت کننده در این پیمان‌ها به دنبال دارد، اما گاهی شکل‌گیری این پیمانها پیامدهای منفی را نیز به دنبال خواهد داشت، همانگونه که شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس پیامدهایی را برای کشورهای منطقه در پی داشته است.

۶-۱. مسابقه تسلیحاتی

صرف نظر از بزرگ نمایی‌های رسانه‌ای و سیاسی در خصوص قدرت و نیت تهاجمی ایران کارشناسان مسائل نظامی بر این باورند که دکترین نظامی ایران و نوع تجهیزات آن نه بر مبنای تجاوزگری و حمله به همسایگان بلکه بر اساس منطق بازدارندگی طراحی شده است.

با این حال ظاهراً همسایگان جنوبی ایران در شورای همکاری خلیج فارس توانایی درک و تفکیک میان منطق بازدارندگی از سیاست‌های تهاجمی را ندارند و بر این اساس قابلیت‌های نظامی ایران را تهدیدی علیه خود می‌پندارند. (Khaïtous, 2009) و ابراهیمی فر، (۱۳۷۸: ۳۹۵) بر این اساس کشورهای عربی حوزه خلیج فارس دست به یک مسابقه تسلیحاتی برای مقابله با ایران زده‌اند. خریدهای نظامی کشورهای عربی شورای همکاری خلیج فارس در سالیان اخیر سیر صعودی به خود گرفته و بودجه‌های فراوانی به آن اختصاص می‌یابد. برخی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس مانند عمان، عربستان و امارات متحده عربی سالانه بین ۷ تا ۱۲ درصد تولید ناخالص ملی خود را به خرید تسلیحاتی اختصاص می‌دهند، در حالی که میانگین جهانی عددی بین ۲/۵-۲/۳ درصد است. (<http://www.sipri.org/databases/milex/>) خرید سپر دفاع موشکی یکی از مهمترین خریدهای نظامی شورای همکاری خلیج فارس می‌باشد. امارات در قراردادی با آمریکا به ارزش هفت میلیارد دلار از سیستم تاد برخوردار شده است. به گفته مقامات آمریکایی این سیستم موشکی برای مقابله با تهدیدات ایران به امارات فروخته شده است. (تابناک، ۱۳۷۸/۶/۱۹) دولت کویت نیز بر مبنای قراردادی ۹۰۰ میلیون دلاری ۲۰۹ موشک پاتریوت از آمریکا خریداری کرده که هدف از آن بازدارندگی در مقابله تهدیدات منطقه‌ای بیان شده است. (<http://www.defensenews.com>) و دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۱ و ریزابروکس، (۱۳۷۹: ۲۰۴) بحرین نیز از این رقابت عقب نمانده و در قراردادی به ارزش ۴۳ میلیون دلار با آمریکا به سیستم رادار و ضد موشکی مجهز شده است. (فردا نیوز، ۱۳۸۶/۷/۱۳) عربستان نیز در قراردادی با واشنگتن به ارزش ۲۹/۴ میلیارد دلار در پی تجهیز نیروی هوایی خود به ۸۴ فروند جنگنده F-15SA و تجهیز ۷۰ فروند از جنگنده‌های موجود خود است.

این نکته مهم است که اگر چه خریدهای تسلیحاتی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس بیشتر از آمریکا است اما برخی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس در تلاش‌اند با خریدهای تسلیحاتی از چین و روسیه موضع این دولت‌ها را در حمایت از ایران در مسئله هسته‌ای را تغییر دهند.

۲-۶. حضور قدرت‌های فرا منطقه‌ای در منطقه خلیج فارس (آمریکا)

یکی از پیامدهای شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس حضور مستقیم آمریکا در منطقه خلیج فارس از طریق تاسیس و ایجاد پایگاه‌های نظامی در فضای سرزمینی این کشورهاست. جمهوری اسلامی ایران همواره ناخرسندی خود را از این کشورها برای در اختیار گذاشتن پایگاه‌های نظامی در داخل سرزمین خود به اطلاع آنها رسانده است. وجود پایگاه‌های متعدد در این کشورها به عنوان نقطه اتکایی در جهت حمله احتمالی به ایران از فضای جغرافیایی این کشورها از یک طرف و انجام عملیات اطلاعاتی توسط غرب از این پایگاه‌ها در جهت کنترل ایران یک عامل واگرا کننده و اختلاف برانگیز بین طرفین بوده است.

از طرفی آمریکا در منطقه خلیج فارس با ایجاد ایران هراسی در میان کشورهای عربی شورای همکاری خلیج فارس قصد دارد از ظهور یک قدرت منطقه‌ای در منطقه خلیج فارس جلوگیری کند و حضور خود را در منطقه به عنوان حافظ منافع و امنیت کشورهای عرب منطقه را توجیه کند. (نصوحیان، ۱۳۸۶: ۱۵۴) از سویی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با نگاه متفاوت به مقوله امنیت حفظ موجودیت کشور و بقای حکومت به هر طریق و ابزاری را لازم می‌دانند، لذا این کشورها به دلیل موقعیت و وسعت کم جغرافیایی در وضعیت آسیب‌پذیری قرار دارند و از حضور کشورهای فرا منطقه‌ای (آمریکا) در منطقه و حضور در ترتیبات امنیتی خلیج فارس استقبال می‌کنند، ولی جمهوری اسلامی ایران امنیت خلیج فارس را مربوط به کشورهای منطقه می‌داند و با حضور بازیگران خارجی در منطقه مخالف است.

جدول ۱

ردیف	سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)	شورای همکاری خلیج فارس
شباهتها	۱) نزدیکی جغرافیای در شکل گیری پیمان ناتو علیه شوروی موثر بود . ۲) تصور داشتن نیت تهاجمی از سوی شوروی در شکل گیری ناتو موثر بود. ۳) قدرت تهاجمی شوروی در شکل گیری ناتو موثر بود.	۱) نزدیکی جغرافیای در شکل گیری شورای همکاری خلیج فارس علیه ایران موثر بود. ۲) تصور داشتن نیت تهاجمی از سوی ایران در شکل گیری شورای همکاری خلیج فارس موثر بود ۳) قدرت تهاجمی ایران در شکل گیری شورای همکاری خلیج فارس موثر بود.
شباهتها	۴) افزایش قدرت (توانایی) تهاجمی شوروی (وسعت، جمعیت و...) در شکل گیری ناتو علیه شوروی موثر بود. ۵) ایدئولوژی مشترک کشورهای غربی در شکل گیری ناتو علیه شوروی موثر بود. ۶) شکل گیری ناتو مسابقه تسلیحاتی را در پی داشت ۷) باعث حضور آمریکا در اروپای غربی شده و وابستگی کشورهای اروپای غربی را در پی داشت.	۴) افزایش قدرت (توانایی) تهاجمی ایران (وسعت، جمعیت و...) در شکل گیری شورا علیه ایران موثر بود. ۵) ایدئولوژی مشترک کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در شکل گیری شورا موثر بود. ۶) شکل گیری شورای همکاری خلیج فارس باعث مسابقه تسلیحاتی در منطقه شد. ۷) باعث حضور قدرتهای فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا در منطقه شد و باعث وابستگی این کشورها به آمریکا گردید.
تفاوتها	۱) علاوه بر عوامل سیاسی - امنیتی، عوامل اقتصادی نیز در شکل گیری ناتو علیه شوروی موثر بود (طرح مارشال و...) ۲) کشورهای تشکیل دهنده ناتو علاوه بر اروپایی غربی دو کشور آمریکا و کانادا از قاره آمریکا در این پیمان حضور داشتند	۱) عوامل اقتصادی در شکل گیری شورای همکاری خلیج فارس علیه ایران تاثیر چندانی نداشت. (بیشتر عوامل سیاسی - امنیتی موثر بود) ۲) کشورهای تشکیل دهنده شورای همکاری خلیج فارس شش کشور عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس بودند.

نتیجه گیری

بر اساس نظریه والت، پیمانها و اتحادیه‌ها در یک منطقه علیه یک یا چند قدرت بر اساس شاخصه‌هایی شکل می‌گیرند که در این پژوهش این شاخص‌ها (مجاورت، نیت تهاجمی،



قدرت تهاجمی، افزایش قدرت تهاجمی) در مورد شکل‌گیری ناتو علیه اتحاد جماهیر شوروی و شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس علیه جمهوری اسلامی ایران مورد سنجش قرار گرفته است.

اولین شاخصه مجاورت یا نزدیکی جغرافیای که هم در شکل‌گیری ناتو و هم در شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس موثر بود، چرا که شوروی به مرزهای بلوک غرب نزدیک شده بود و این امر باعث احساس خطر از سوی کشورهای اروپایی و آمریکا شده بود که منافع آنها از سوی شوروی تهدید می‌شد به گونه‌ای که منجر به تقسیم آلمان به دو کشور آلمان شرقی همراه با بلوک شرق و آلمان غربی همراه با بلوک غرب و نماد آن ایجاد دیوار برلین بود. در مورد تاسیس شورای همکاری خلیج فارس نیز همین شاخصه مهم بود، چرا که بعثت نزدیکی و مجاورت ایران با کشورهای عربی، این کشورها نگران سرایت انقلاب ایران و در نتیجه به خطر افتادن منافعشان بودند.

دومین شاخصه تشکیل اتحاد میان کشورها، داشتن نیت تهاجمی می‌باشد، اتحاد جماهیر شوروی به خاطر تلفات بسیار در جنگ جهانی دوم می‌خواست یک قدرت درجه اول در جهان محسوب شود و معتقد به آشتی سوسیالیسم و نظام سرمایه‌داری نبود و با توجه به نفوذ شوروی در کشورهای اروپای شرقی و تاثیر پذیری این کشورها در اقتصاد و سیاست از شوروی لذا این امر نگرانی کشورهای بلوک غرب را از نیت تهاجمی شوروی بیشتر می‌کرد (ذهنیت نسبت به توسعه طلبی شوروی) در این میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز براساس ذهنیت خود معتقد بودند ایران به دنبال صدور انقلاب و توسعه نفوذ خود به دیگر کشورهای منطقه می‌باشد تا به مطامع و منافع ارضی و ایدئولوژیکی خود دست یابد لذا این امر نگرانی کشورهای عربی منطقه خلیج فارس را در پی داشته و به دنبال مقابله با ایران بودند. از طرفی پروژه ایرانی هراسی که از سوی کشورهای غربی در مورد ایران مطرح شده بود باعث ترس و نگرانی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از جمهوری اسلامی ایران می‌شد و این تصور را در کشورهای عربی ایجاد می‌کرد که ایران به دنبال نفوذ و سلطه بر کشورهای عربی و منطقه است.

سومین شاخصه مورد نظر والت در اتحاد میان کشور قدرت تهاجمی می‌باشد، قدرت شوروی پس از جنگ جهانی دوم علارغم تلفات ناشی از جنگ افزایش یافت و توانست

خود را به عنوان یکی از ابرقدرتهای جهان مطرح کند بخصوص به دنبال دستیابی آمریکا به سلاح هسته ای در سال ۱۹۴۵ چهار سال بعد یعنی در سال ۱۹۴۹ شوروی هم به این سلاح دست یافت و این افزایش قدرت نظامی شوروی باعث نگرانی غرب و آمریکا شد دقیقاً سال تشکیل ناتو سال ۱۹۴۹ می باشد. در مورد شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس در ابتدا ناشی از قدرت تهاجمی ایران نبود، چرا که این کشورها اینگونه قلمداد می‌کردند که ارتش ایران به دنبال سرنگونی حکومت پهلوی تضعیف و دچار فروپاشی شده اما به دنبال پیروزی‌های ایران در جنگ با عراق که مورد حمایت این کشورها بود، این کشورها از قدرت نظامی ایران نگران شده و علاوه بر حمایت از صدام مصمم تر شدند که با تشکیل شورای همکاری خلیج فارس با ایران مقابله کنند. در حال حاضر نیز با توجه به پیشرفت جمهور اسلامی ایران در زمینه تسلیحات و ادوات نظامی و بومی سازی بسیاری از این تجهیزات ترس و نگرانی کشورهای عرب نسبت به ایران بیشتر گردیده، بنابراین، این کشورها در کنار تاسیس شورای همکاری خلیج فارس به دنبال جلب همراهی و اتحاد با کشورهای فرامنطقه‌ای نظیر آمریکا هستند تا از این طریق بتوانند امنیت را برای کشورهايش (در مقابله تهدیدات خود ساخته از ایران) فراهم کنند.

چهارمین شاخصه مورد نظر والت در ایجاد اتحادها، افزایش توان تهاجمی کشورهاست. در مورد افزایش قدرت تهاجمی کشورها باید گفت هم شوروی سابق و هم جمهوری اسلامی ایران با معیارهای ذکر شده در مورد قدرت کشورها (جمعیت، وسعت، منابع معدنی، موقعیت جغرافیایی، آب و هوای متنوع، برنامه هسته‌ای و ...) با توجه به برخورداری از موقعیت جغرافیایی مناسب، جمعیت و وسعت بیشتر همچنین داشتن منابع مناسب معدنی از قدرت بیشتری نسبت به رقبای خود برخوردار بودند که این خود سبب نگرانی کشورهای رقیب و ایجاد اتحاد بر علیه این کشورها می‌شد. شکل‌گیری هر دو پیمان مسابقه تسلیحاتی بین کشورها را در پی داشت که این خود تنش بین آنها را بیشتر می‌کرد از سوی در هر دو پیمان یک قدرت فرا منطقه‌ای (آمریکا) نقش داشت که در پیمان ناتو، (آمریکا) نقش اصلی را بازی می‌کرد و در شورای همکاری خلیج فارس به طور غیر مستقیم در تصمیمات و اقدام این شورا علیه جمهور اسلامی ایران نقش موثر داشت.

منابع

- آدام، ویلیام (۱۳۶۸)، «دکترین نظامی شوروی»، ترجمه علیرضا طیب، *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ش ۲۹، صص ۱۵-۲۳.
- ابراهیمی فر، طاهره (۱۳۷۸)، «بررسی علل واگرایی در منطقه خاورمیانه»، *مجله سیاست خارجی*، سال ۱۳، ش ۲، صص ۳۷۹-۳۹۶.
- اسپوتنیک، (۲۰۱۹/۱۱/۲۸)، «قدرت اتحاد جماهیر شوروی در عصر مدرن»، آدرس: <https://ir.sputniknews.com/russia/201911285521173>
- ایسنا (۱۳۹۶/۶/۷)، «شوروی ۶۸ سال پیش اولین سلاح هسته‌ای خود را آزمایش کرد»، آدرس: <https://www.isna.ir/news/96060703962>
- المشروع الإيراني فی منطقه العربیه والاسلامیه (۲۰۱۳)، مرکز امیه للبحوث و الدراسات الاترایتیجیه، الطبعه الاولى.
- امیر محمدی، بهرام (۱۳۶۸)، «جمعیت شوروی»، *رشد آموزش جغرافیا*، ش ۱۷، صص ۵۴-۵۵.
- تابناک، (۱۳۷۸/۶/۱۹)، «فروش سپر دفاع موشکی ۷ میلیارد دلاری آمریکا به امارات»، آدرس: <https://www.tabnak.ir/fa/news/17698>
- تقفی عامری، ناصر (۱۳۶۶)، «بررسی اجمالی موقعیت استراتژیکی و سیاست خارجی شوروی»، *مجله سیاست خارجی*، ش ۳، صص ۵۰۹-۵۳۸.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۶)، *قدرت و منافع ملی*، تهران: نشر انتخاب.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، *جغرافیایی سیاسی ایران*، تهران: سمت.
- دانشنامه ویکی پدیا.
- دوست محمدی، احمد؛ غبیشی، عبدالعظیم و مرادی عباس آبادی (۱۳۸۹)، «تاثیر فعالیت‌های هسته‌ای ایران بر همگرایی امنیتی در بین شورای همکاری خلیج فارس»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال دوم، ش ۸، صص ۲۹-۵۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ سوم، تهران: سمت.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۶)، «رویکرد اعراب به برنامه هسته‌ای ایران»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۱۴، ش ۲ و ۳، صص ۵۵-۸۶.

دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۱/۱/۱۷)، «مسابقه تسلیحاتی در خلیج فارس»، آدرس: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1900876>
ذوالنوری، سیدفرزاد و پروانه، فرهاد (۱۳۹۶)، «نگاهی به جنگ سرد، عوامل، ماهیت‌ها و پیامدها»، ماهنامه پژوهش‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی، شماره اول، اردیبهشت ۱۳۹۶، صص ۱۰۱-۱۱۶.

روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، امنیت ملی و نظام بین الملل، تهران، سمت.
ریزابروکس (۱۳۷۹)، «روابط سیاسی نظامی و ثبات رژیم‌های عربی در منطقه»، ترجمه محمد کمال سروریان، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، ش ۳، صص ۱۹۵-۲۱۱.
زاده علی، مهدی و میرحسینی فرشته (۱۳۹۶)، «ریشه‌های ایران هراسی از نگاه افکار عمومی جهان عرب»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۳۱، ش ۲، تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۵۱-۱۸۲.

شولزینگر، رابرت (۱۳۷۹)، دیپلماسی آمریکا در قرن بیستم: ۱۸۹۸-۱۹۹۷، ترجمه محمد رفیع مهرآبادی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه.
شمانیوز (۱۳۹۸/۱۰/۱۸)، «معرفی تمام سلاح‌های ساخت ایران»، آدرس: <https://www.shomanews.com>.

صادقی اول، هادی؛ قاسمی، فرهاد و پورجم، بهاره (۱۳۹۵)، «مسابقه تسلیحاتی و مدیریت دفاع منطقه‌ای در میان کشورهای حوزه خلیج فارس (۱۹۹۰-۲۰۱۰)»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال ۹، ش ۳۵، پاییز ۱۳۹۵، صص ۱۱۷-۱۴۰.

صراف‌تبریزی، غلامرضا (۱۳۸۱)، «ناتو، گذشته، حال آینده»، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۷۷-۱۷۸، خرداد و تیر، صص ۱۰۰-۱۱۳.

صالحی، علیرضا و محسنی، سجاد (۱۳۹۲)، «دستاوردهای نظامی ایران و معمای امنیت در خاورمیانه (با تاکید بر اعضای شورای همکاری خلیج فارس)» فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۷، ش ۱، بهار ۱۳۹۲، صص ۴۹-۷۰.

- طبری، نقی (۱۳۸۱)، «نقش انقلاب اسلامی ایران در شکل‌گیری و استمرار شورای همکاری خلیج فارس»، *مجله علوم سیاسی باقرالعلوم*، ش ۲۰، صص ۹۱-۱۰۴.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۴)، *بنیادهای علم سیاست*، چاپ سیزدهم، تهران: نشر نی.
- غفاریان، سیروس (۱۳۷۳)، «بحران برلین، بحرانهای پس از جنگ جهانی دوم»، *رشد معلم*، ش ۱۰۴، آبان ۱۳۷۳، صص ۶-۱۱.
- فردانیوز (۱۳۸۶/۷/۱۳)، «ایجاد سپر دفاع موشکی در بحرین»، آدرس: <https://www.fardanews.com>
- فونتن، آندره (۱۳۶۴)، *تاریخ جنگ سرد*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی. ۶ ج، چاپ اول، تهران: نشر نو.
- قریشی، مهدی (۱۳۹۷/۱۰/۱۰)، «اروپا زیر چکمه‌های آمریکا»، خبرگزاری دانشگاه آزاد اسلامی (آنا)، آدرس: <https://ana.press/fa/news/32/346110>.
- قنبری جهرمی، محمدحسین (۱۳۸۶)، «کلیاتی پیرامون دکترین دفاعی»، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، *ماهنامه اطلاعات راهبردی*، سال ۵، ش ۵۳، صص ۱۹-۳۵.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۶۹)، *نقش قدرت در جامعه و روابط بین‌الملل*، تهران: نشر قومس.
- لیتل، ریچارد (۱۳۸۹)، *تحول در نظریه‌های موازنه قوا*، ترجمه دکتر غلامعلی چگنی‌زاده، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ملکوئیان، مصطفی (۱۳۸۳)، «مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی و اهمیت استراتژیک ایران»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ش ۶۳، صص ۲۰۳-۲۲۱.
- موسوی، سیدرسول (۱۳۸۳)، «تجربه خلع سلاح هسته‌ای قزاقستان»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ش ۴۸، زمستان ۱۳۸۳، صص ۱۳-۳۰.
- میرحیدر، دره (۱۳۷۵)، *مبانی جغرافیای سیاسی*، تهران: سمت.
- مینایی، مهدی (۱۳۸۱)، *مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی ایران*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- نصری، محسن (۱۳۸۶)، *شکوه ملی در فناوری هسته‌ای*، تهران: نشر حدیث راه عشق.
- نصوحیان، محمد مهدی (۱۳۸۶)، «موانع همگرایی و ثبات در منطقه خلیج فارس»، *مجله ره آورد سیاسی*، ش ۱۷، پاییز ۱۳۸۶، صص ۱۴۳-۱۶۲.

واعظی، محمود و اسدی، علی اکبر (۱۳۸۹)، شورای همکاری خلیج فارس: سیاست‌های خارجی و روندهای داخلی، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی.

Anstony, John D ucke Jean Francois Seznec ,Tayyar Ari ,Wayn E White (2008), **War with Iran: Regional Reactions. and Requirements** ,**Middle East Policy** ,Vol.15,NO.3.

Bailey Thomas (1956), **The American Pageant :A History of the Republic Boston:** Heath Company.

Clawson, Patrick (2010), The Perfect Handshake with Iran: Prudent Military Near East Policy, www.washingtoninstitute.org.

Cordesman, Antony H (2009), **Iranian Weapons of Mass Destruction: The Broader Strategic Context** (Center for Strategic and International Studies, Washington, D.C) .

Defensenews.com: U.S.Plans to Sell (2009), Patriot Missiles to Kuwait: <http://www.defensenews.com>

Ehteshami , Anousshiravan, (2002), **the foreign policy of Iran , in the foreign policies of Middle Easte** ,Boulder ,co:Lynne Rienner.p.283-390.

Delmas claude (1961), Armement Nuclaires et Guerr Froide. Paris: Flommoron. Elman,Colin & Mirim Fendius Elman (2003), Lesson From Lakatos in Elman , Colin & Mirim Fendius Elman,(eds) **Progrees in Internation Relations Theory**. Harvard University Press.

Entessar, Nader (2004), **Iras Security Challenges the Muslim World** ol, 94.

Gangale, Thomas (2003), **Alliance Theory: Balancing, Bandwagoning and Détente**, San Fracisco State University. International Relations.

Goldstein, Joshua s, (1999), **International Relations**. New York: Longman.

Haghshenass ,Fariborz (2009), Iran's Asymmetric Naval Warfare. The Washington Institute for Near East Policy. www.washingtoninstitute.org, <https://www.cia.gov/library/publications>

Henderson, simon (2008), **Energy in Danger: Iran ,Oil and Washington** ,DC: Washington institute for Near East Policy.

Khaitous, Tariq (2009), **Arab Reactions to a Nuclear-Armed Iran**, Washington ,DC: institute for Near East Policy.

Lorilyn, Bogle (2001), **The cold war**,vol 5,New york Rutledge.

Crochtt, Richard (1994), **The Fifty YearsWar :The US and Soviet**, Union in World Politic ,London:Rutledge.

/><http://www.sipri.org/databases/milex> SIPRI Military Expenditure Database,<

The Military Balance (2010), London : International Institue For Strategic Studies.

Walt, Stephen M. (1985), “**Alliance Formation and the Balance of World Power**”, International Security, Vol.9, No.4.

Walt, Stephen M. (1987), **The Origins of Alliances**, Ithaca, NY: Cornell. University Press.

Walt, Stephen M. (1990), **The Origins of Alliances** , Ithaca, NY: Cornell. University Press

Wander, Philip and others (1997), **Cold War Rhetoric: Strategy, Metaphor, and Ideology**. By Marti J . Medhurst Robert L. Scott and Philip Wander. MSU Press.



۲۴۶



سیاست جهانی

فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره دهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰، پیاپی ۳۶